

# تحلیل مقایسه‌ای هنر سازه‌های مشترک در اشعار فاضل‌نظری و صائب‌تبریزی

مریم سلطانی<sup>۱</sup>

دکتر امیرحسین مدنی<sup>۲\*</sup>

## چکیده

در گستره ادبیات تطبیقی، شعر صائب‌تبریزی و فاضل‌نظری از بسیاری جهات - به ویژه اینکه هر دو پیرو سبک هندی هستند - قابل مقایسه است. یکی از نقاط مشترک این دو شاعر فارسی‌زبان کاربرد هنر سازه‌های مشترک در اشعارشان است. هنر سازه از اصطلاحات فرمالیسم‌های روس است که اثر ادبی را حاصل به هم پیوستن هنر سازه‌های ادبی که شامل بدیعیات لفظی و معنوی می‌شود، می‌دانند. از آنجا که اشعار سبک هندی با تار و پود هنر سازه‌ها پدید آمده است، در این پژوهش تنها به آن دسته از هنر سازه‌هایی پرداخته شده که بیشترین بسامد را در اشعار دو شاعر مورد نظر داشته است. اسلوب معادله، استعاره، ایهام، تشبیه و حس‌آمیزی از جمله هنر سازه‌های بررسی شده از لحاظ بسامدی و مضمونی در گزیده اشعار صائب‌تبریزی و چهار دفتر شعری فاضل‌نظری است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظری در کاربرد آرایه‌های ادبی از صائب تأثیر پذیرفته و تصویرهای حاصل از به کار بستن این هنر سازه‌های مشترک با توجه به اینکه جولانگاه موضوعی هر شاعر متفاوت است، در نوع و زمان خود بدیع و بی‌سابقه می‌نماید، هر چند که اشتراکات لفظی در این هنر سازه‌ها بسیار است. روش این پژوهش مبتنی بر تحلیل کمی و کیفی هنر سازه‌های مشترک دو شاعر است و هدف آن بررسی میزان بسامد این هنر سازه‌ها در جامعه آماری معین است.

واژگان کلیدی: هنر سازه، فاضل‌نظری، صائب‌تبریزی، سبک هندی، فرمالیسم.

## ۱- مقدمه

---

۱. دانشجوی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

Email: maryamsoltani7698@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: m.madani9@gmail.com

از جمله شاعران معاصر که در سرودن غزلیات خود توجه به سبک هندی داشته و تأثیرپذیری از فرم و شکل سرایش صائب‌تبریزی در اشعار او به چشم می‌خورد، «فاضل‌نظری» است. در واقع با گذر زمان و سرگذشت سبک‌های ادبی، شاعران جدید خواه و ناخواه به پیشینیان نظر داشته‌اند و به خصوص فرم شاعری خود را از آنان وامدار می‌شوند. در این میان سبک شخصی نظری در شعرهایش اسلوب و شاخصه‌های کلی سبک هندی را داراست و هنر‌سازهای او و صائب اشتراکات زیادی دارد؛ بنابراین توجه به این مقوله که در بطن فرم شعر جریان دارد، در مطالعه و تحقیق‌های ادبی اشعار شاعران گذشته و معاصر اهمیت فراوانی دارد.

«از نظر فرمالیست‌ها پژوهشگر آثار ادبی فقط باید با خود اثر سر و کار داشته و در درون همان اثر به وجه جمال‌شناسیک و ادبیت آن پردازد، نه به زمینه‌های اجتماعی و تاریخی اثر یا زندگی نامه پدیدآورنده آن. وظیفه محقق ادبی جستجو در طرز کارکرد هنر‌سازها در داخل متن است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۶۳)

بنابراین صرف‌اینکه به سبک‌شناسی یک اثر پردازیم، کافی نیست و باید فرم یک شاهکار هنری را در نحوه استفاده از هنر‌سازها در آن جست و جو کرد. «فرم در نظر صورت‌گرایان روس نه شیء است و نه ماده، بلکه فقط عبارت است از روابط میان مواد و هنر‌سازها نیز تمام تمهیداتی است که شاعر به کار می‌گیرد تا از ماده زبان به شعر برسد.» (همان: ۷۱) هنر شاعر دقیقاً در زمانی رخ می‌نماید که توانسته باشد ضمن استفاده از هنر‌سازهای بارز سبک بیان خود، آنها را در جهت حفظ معنای اصلی و بیان هدف به کار گیرد.

«طبق عقیده صورت‌گرایان روس آن چه در ادبیات محل تغییر و ملاک ادبیات بوده‌است همین عوامل صوری است. محتوا و حتی تشبیهات و انواع تصویر هم ملاک خلاقیت نیست. زیرا بر طبق نظریه شکلوفسکی<sup>۱</sup> تصاویر شعری دیر دیر و قرن به قرن تغییرات جزئی پیدامی‌کنند. در حقیقت هیچ تشبیه و تصویری نمی‌تواند صد در صد بدیع و بی‌سابقه باشد. آنچه نومی‌شود و ملاک خلاقیت و ادبیت یک اثر می‌شود، همین ترکیب و کیفیت نظام بخشیدن

1. Victor Shklovsky

به عوامل صوری و هنر‌سازه‌های زبان آثار ادبی است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۷۲)

با توجه به آنچه گفته شد، برای شناخت پرورده‌های ذهنی شاعران که در زبان شعری آنها تجلی یافته است، توجه به هنر‌سازه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا هنر‌سازه‌ها نقش اصلی در ساخت فرم را دارند. به گفته شفیعی‌کدکنی: «ادبیت هنگامی آغاز می‌شود که هنر‌سازه‌ها از حالت مألوف و آشنا و تکراری و غیرفعال خود به درآیند و به گونه‌ای خود را به خواننده آشکار کنند که خواننده تصور کند این نخستین‌بار است که باین هنر‌سازه‌ها روبرو شده‌است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۶۰ - ۵۹) در واقع هنر شاعر زنده‌کردن هنر‌سازه‌ها در شعر خویش است. نحوه استفاده شاعران از گزینش و ترکیب هنر‌سازه‌ها برای خلق اشعار خود در زمان‌های مختلف و با ظهور سبک‌های ادبی جدید دگرگون می‌شود. به عنوان مثال هنر‌سازۀ تشبیه و استعاره در شعر سبک عراقی بسیار به چشم می‌خورد و در شعرهای سبک هندی علاوه بر این دو هنر‌سازه - که از نمونه‌های بارز در ایجاد پیچیدگی‌ها و نازک خیالی‌های شاعرانه سبک هندی است - شاعر از تمهیدات متفاوت و برساخته دیگری نیز برای جان بخشیدن به سخن خود و برجسته‌سازی آن استفاده می‌کند.

پژوهش حاضر با هدف کلی مبتنی بر شیوه تحلیل مقایسه‌ای با توجه به هندی‌وارگی موجود در اشعار فاضل‌نظری، در پی آن است تا فرم شعری این شاعر معاصر را که در تقابل با ماده قرار دارد، بررسی کند. ماده‌ای که در واقع به کمک ادبیت به کار بسته‌شده در سروده‌های شاعران هندی و به ویژه صائب‌تبریزی به کار رفته و تبدیل به یک اثر ادبی شده‌است. شیوه گردآوری داده‌ها در این مقاله همان روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و آثار مکتوب است. سعی بر آن بوده تا در این راه از کتاب‌ها و مقالات مختلفی استفاده شود که همه آنها اعتبار و سندیت دارند. همچنین از برخی پایگاه‌های اینترنتی معتبر نیز در جهت تکمیل کار و بهره‌وری جامع‌تر استفاده شده‌است. از آنجا که اصطلاح ادبی هنر‌سازه‌ها برای نخستین بار در کتاب «رستاخیز کلمات» از استاد شفیعی‌کدکنی بیان گردیده، این مقاله الهام گرفته از سخن ایشان بوده و تا کنون نیز تحقیقات کمی در این باره و آن هم به صورت تطبیقی انجام گرفته است. از این رو بیشتر

یادداشت برداری‌ها از این کتاب و چند منبع دیگر صورت گرفته‌است و در نهایت این یادداشت‌ها تنظیم گردیده‌اند. جامعه آماری در این مقاله چاپ دوازدهم برگزیده اشعار صائب از محمد قهرمان و مجموعه‌های شعری اقلیت، گریه‌های امپراطور، آنها و ضد از فاضل‌نظری است. در این پژوهش برآنیم تا با بررسی هنر‌سازهای مشترک صائب و فاضل‌نظری به بیان ظرفیت‌ها و ارزش هنری این بخش از هنر‌سازهای نظریه فرمالیسم روسی بپردازیم و این ویژگی را به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای در سروده‌های این دو شاعر تحلیل و بررسی کنیم تا بتوانیم ویژگی‌های طرز نو و نحوه استفاده از هنر‌سازها در سبک هندی قدیم و جدید را به شیوه ملموس‌تری نشان دهیم.

### ۱-۱ پرسش‌های پژوهش

- نگارنده در این پژوهش به دنبال آن است تا با شیوه تحلیل مقایسه‌ای به سؤالات زیر پاسخ دهد:
- ۱- آیا فاضل‌نظری در شیوه کاربرد هنر‌سازهای خود از صائب‌تبریزی تأثیر پذیرفته است؟
  - ۲- هنر‌سازهای مشترک در اشعار نظری و صائب کدامند؟

### ۲-۱ فرضیه‌های پژوهش

- ۱- از آنجا که هندی‌وارگی در سروده‌ها و غزلیات نظری بسیار به چشم می‌خورد و هنر‌سازها نیز در واقع برخاسته از فرم و سبک شعری هستند، هنر‌سازهای شاعر معاصر ما ریشه در این سبک شعری دارد. همچنین چون صائب از شاعران برجسته این سبک است، فاضل‌نظری می‌تواند از او تأثیر فراوانی گرفته‌باشد.
- ۲- از آنجا که پایه شعری سبک هندی مضمون‌یابی و تخیل است، اصلی‌ترین هنر‌سازهای مشترک در اشعار این دو شاعر می‌تواند معادله‌پردازی و تمثیل، ایهام، تشبیه، استعاره، جناس، تشخیص و مراعات‌نظیر باشد.

### ۳-۱ پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام شده تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. به طور کلی هیچ پژوهشگری به طور خاص به بررسی هنر سازه‌های مشترک در اشعار نظری و صائب و تحلیل اشعار آنها نپرداخته است. تنها مقالاتی درباره سبک شاعری صائب یا فاضل‌نظری به صورت جدا انجام شده که در آنها نیز به هنر سازه‌های به کار رفته و نقاط اشتراک لفظی و بدیعی این دو شاعر در اشعارشان توجه نشده است. علاوه بر این چون لفظ هنر سازه که ریشه در نظریه فرمالیسم روسی دارد، از زبان شفيعی کدکنی دیرگاهی نمی‌انجامد که بیان شده است - هرچند که در زمینه صنایع لفظی و بدیعی به صورت توصیفی و کلی منابع فراوانی وجود دارد - بنابراین پژوهش‌های اندکی در این باره انجام گرفته است و به طور خاص و علمی با توجه به بیان ایشان و با این موضوع خاص هیچ پیشینه‌ای یافت نگردید. با وجود این، مقالات و کتاب‌هایی وجود داشتند که در این زمینه توانستند ما را یاری دهند:

- فلاح، غلامعلی و زارعی، مهرداد. «هندی‌وارگی در اشعار فاضل‌نظری». فصلنامه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی). سال ۲۳ (پیاپی ۷۸)، صص ۶۶ - ۱۴۵، ۱۳۹۴.

- شفيعی کدکنی، محمدرضا. رستاخیز کلمات. تهران: انتشارات سخن، (۱۳۹۱).

سعی شده تا در نوشتن این مقاله از سایر منابع ارزشمند و معتبر دیگری استفاده شود تا حق مطلب به خوبی ادا گردد.

## ۲- بحث و بررسی

فاضل‌نظری از جمله شاعرانی است که به دلیل وجود ویژگی‌های بارز سبک هندی از شاعران این سبک در عصر حاضر به شمار می‌آید. در این بین، از میان شاعران مختلف سبک هندی به استاد آنها یعنی صائب‌تبریزی نظر داشته است و در ساخت هنر سازه‌های ادبی با او اشتراکات فراوانی دارد. «استفاده نظری از قابلیت‌های شعر سبک هندی در اشعارش نشان دهنده وجود ظرفیت‌های درخور توجهی در این سبک است. قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که در اثر برخی افراط‌ها و زیاده روی‌ها در این سبک و همچنین تبلیغات منفی شاعران و نظریه پردازان دوره

بازگشت نادیده گرفته شده‌است، در حالی که هر کدام از آنها می‌توانند به عنوان هنر‌سازه دست مایه نوآوری‌ها و هنرنمایی‌های شاعران قرار بگیرند. ویژگی‌هایی همچون پیچیدگی و دیربایی، مضمون‌سازی، تشخیص، به‌کارگیری زبان عامیانه، استفاده از تلمیح، مضمون‌سازی از پدیده‌ها و اشیای معمولی، اسلوب معادله و... به‌طور کلی شعر نظری با توجه به حضور خلاقانه و ویژگی‌های سبک هندی شعری است دارای مضامین نو، تصویرسازی‌های جدید، همراه با زبانی ساده و روان.» (فلاح و زارعی، ۱۳۹۴: ۶۵ - ۱۶۴)

دراین میان از شاعران سبک هندی، صائب بیش از بقیه به کاربرد هنر‌سازه‌های بارز و شاخصه‌های اصلی سبک هندی در آثار خود التفات داشته‌است و بی‌شک شاعر روشن‌فکری همچون فاضل‌نظری در طرز کار سبکی خود به چیره‌دست‌ترین شاعر آن سبک رجوع می‌کند و با او اشتراکات فراوانی دارد. مسأله فرم و ساختار دراین بررسی از جایگاه مهمی برخوردار است و باید در ابتدا به‌طور کلی با مفهوم فرم آشنایی اجمالی پیدا کرد تا دریافت هنر‌سازه در یک اثر ادبی و به صورت تطبیقی راحت‌تر صورت پذیرد.

«واژه لاتینی form از همان ابتدا جایگزین دو کلمه یونانی morphe و eldos شده‌است. کلمه morphe را بیشتر به فرم‌های مشهور اطلاق می‌کردند و eldos را در مورد فرم‌های ذهنی (مفهومی) به کار می‌برند. این میراث دوگانه در حد زیادی در گوناگونی معانی فرم، مؤثر بوده‌است.» (تاتاریکه و پیچ، بی‌تا: ۴۷)

فرم در حیطه ادبی همان «حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۰: ۳)

«فرمالیسم یعنی اهمیت دادن به ساخت و صورت و در هنر چیزی جزاین درکار نیست. اصلاً مهم‌ترین فرقی که از دوران ماقبل سقراط تا امروز گفته شده‌است این است که وظیفه هنرمند چیزی جز ایجاد فرم نیست و وظیفه فرم هم چیزی جز ایجاد احتمالات و تداعی‌ها نیست.» (همان: ۳۱)

بنابراین محتواها ثابت مانده و این صورت‌هاست که تغییر کرده‌اند و هنر‌سازه‌ها در ذیل همین مطلب بررسی می‌شوند.

بنابراین دراین قسمت سعی شده‌است با رویکردی استقرایی به دسته‌بندی هنر‌سازه‌های

بارز مشترک هر دو شاعر سبک هندی و مقایسه و تحلیل آنها، ضمن حل فرضیه‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر به اهداف ذکر شده نیز برسیم.

## ۲-۱ هنر سازه‌ها

برای شناخت این‌که هنر سازه‌ها چیستند و در یک اثر ادبی چه جایگاهی دارند، در ابتدا به بیان عقیده فرمالیست‌های روسی درباره آن باید پرداخت. به عقیده شکلوفسکی «صناعات ادبی به طور مداوم فرسوده می‌شوند و به صورت اتوماتیک درمی‌آیند. هنر به طور خستگی‌ناپذیری می‌کوشد تا دید ما را تازه‌تر کند.» (نیوا، ۱۳۸۶: ۲۱) هنر سازه‌ها در واقع همین صناعات ادبی هستند که یک اثر ادبی را از فضای سنگین آن بیرون آورده و متن را پویا و دلنشین می‌کنند و خواننده را مشتاق می‌سازند تا به خواندن خود ادامه دهد. فرمالیست‌ها در واقع با بیان الفاظی همچون آشنایی‌زدایی و برجسته‌سازی<sup>(۱)</sup> به کمک هنر سازه‌ها، ادبیت را به زبان و اثر ادبی بر می‌گردانند و نوع زبان آن را از زبان عادی و طبیعی جدا می‌سازند. در این میان بی‌شک زبان و نحوه بیان آن در طول زمان‌های مختلف و در پی ظهور سبک‌های ادبی گوناگون تغییر داشته‌است. اومبرتو اکو<sup>۱</sup> در تحلیل زیباشناختی متن ادبی «نادیده گرفتن تفاوت‌های تاریخی و تجربه‌هایی که میان انواع مختلف هنری وجود دارد و نیز طبقه خاص بلاغی و موضوعات اجتماعی و تجربی آنها» (اکو، ۱۳۸۶: ۶۹) را نادرست و بی‌ثمر می‌داند. از این رو در بررسی‌های تطبیقی هنر سازه‌ها به دنبال یکسانی لفظ و معنا نمی‌توان بود.

«امروزه در نقد ادبی این نکته پذیرفته شده‌است و از لحاظ زبان‌شناسی هم مورد بررسی قرار داده‌اند که زبان دو نوع کاربرد دارد: ۱- کاربرد خبری/ارجاعی ۲- کاربرد عاطفی/هنری. شعر حاصل کاربرد عاطفی/هنری زبان است.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۶۷) هنر سازه‌ها و در واقع همان صنایع بدیعی در بخش کاربرد عاطفی و هنری زبان قرار می‌گیرند. از این رو در نظر شفیعی‌کدکنی فرم و نظام در شعر و نثر چیزی فراتر از قالب، آرایه‌های ادبی معمول مرده، وزن و

1. Umberto Eco

قافیه و صنایع ادبی نخ‌نما و غیر زبانشناسانه باشد؛ یعنی روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر. با توجه به تعاریفی که شفیع‌کدکنی در باب هنر‌سازها بیان می‌دارد؛ پر واضح است که این اتفاق آشنایی‌زدایی از طریق هنر‌سازها را در یک متن کلی جست و جو می‌کند و آن را باعث انسجام متن می‌داند. به این معنی که «هنر‌سازهای تکراری و معمول در یک نظام تازه کارکرد و ارتباط خاص می‌یابند و طرح و پیرنگ و هندسه هنری پیدا می‌کنند و طبیعتاً به‌کارگیری و ساختن چند ترکیب استعاری و تشبیهی منظور او نمی‌تواند باشد.» (ارجی، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

در واقع عملکرد ذهنی شاعر سبب می‌شود از ساخت و بافت هنر‌سازۀ کهنه، طرحی نو ایجاد کند و فرم جدید او سبب انگیزش خواننده و فعال شدن مجدد هنر‌سازها می‌شود. تعریف کلی از هنر‌سازۀ چنین است که «هنر‌سازۀ تمام تمهیداتی است که شاعران و نویسندگان و هنرمندان به کار می‌گیرند تا از ماده زبان یا ماده قصه و حکایت و وقایع روزمره به شعر یا به پیرنگ برسند.» (شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۱) از نظر فرمالیست‌ها هر نوع وسیله‌ای که بر ساخت جمال‌شناسیک متن بیفزاید مصداق هنر‌سازۀ است، مانند یک تشبیه، یک استعاره یا کنایه، یک تقدیم ما هو حقّه التأخیر، یک حذف بلاغی، یک تغییر هنری جای اجزای جمله و کاستن از تراجم فرم‌های انبوه یا هنر‌سازهای مسدود. حد و حصری برای هنر‌سازها وجود ندارد و طبیعی است که در هر زبان و هر فرهنگی مصادیقی برای هنر‌سازها ممکن است وجود داشته‌باشد که در بعضی از زبان‌ها و فرهنگ‌ها مطلقاً وجود نداشته‌باشد یا بسیار نادر باشد. (ولی‌پور و همتی، ۱۳۹۳: ۷۹)

در نخستین کارهای شک洛夫سکی یک اثر شعری چنین تعریف می‌شد که عبارت است از «مجموعه هنر‌سازها.» حال آنکه تکامل شعری چیزی جز جابه‌جایی هنر‌سازهای معین به نظر نمی‌رسد. با گسترش بیشتر فرمالیسم، مفهوم دقیق و درستی از اثر شعری آشکار شد؛ یک نظام ساختاری از هنر‌سازها در سلسله مراتبی منظم. (شفیع‌کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۶۶) در این بین ادبیت نیز همان عاملی است که می‌تواند یک متن و ماده را تبدیل به یک اثر و فرم ادبی کند. در واقع فرم از اساسی‌ترین مفاهیم در فرمالیسم روسی است که هنر‌سازها به کمک آن به انسجام و



یکپارچگی محض می‌رسند. اکنون با توجه به توضیحاتی که در باب مفاهیم اولیه داده‌شد، می‌توان به بررسی تطبیقی هنر‌سازه‌ها در اشعار نظری و صائب پرداخت و با توجه به تغییر زبان و لفظ در دو دوره زمانی متفاوت، به اشتراکات ادبی دو شاعر که هر دو از سرآمدان سبک هندی هستند، پی برد.

## ۲-۲ انواع هنر‌سازه‌های مشترک در اشعار فاضل‌نظری و صائب‌تبریزی

در سرودن اشعار همواره از انواع هنر‌سازه‌ها جهت غنی کردن بعد جمال‌شناسی و رسیدن به فرم و سبک موردنظر استفاده می‌شود. «شعر هنر بیان در قالب تصاویر است. تصویرهای شعری و سازه‌های هنری ابزاری هستند که زبان را در ارائه مضامین به بهترین، لذت‌بخش‌ترین و در عین حال رساترین و هنرمندانه‌ترین صورت ممکن یاری می‌کنند. تشبیه، استعاره، تناسب‌های لفظی و معنایی و... مجموعه‌ای از صنایع زبانی و معنایی را تشکیل می‌دهند که هر شاعر به فراخور دانایی، توانایی و قریحه خویش از آنها در جهت ارائه هر چه بهتر مقصود خود، بهره می‌گیرد.» (گلی و اسدی، ۱۳۹۳: ۳۳)

در این میان سبک هندی که با مضمون‌آفرینی و نازک‌اندیشی در قالب استفاده از هنر‌سازه‌های متعدد در دست شاعران قرار گرفته‌است، از انواع آرایه‌ها به وفور استفاده می‌کند. گویا شاعر سبک هندی ساده و روان سخن‌گفتن و دوری کردن از پیچیدگی‌ها و تعقیدات را ناپسند می‌داند؛ از این رو می‌توان به بررسی انواع هنر‌سازه‌ها در اشعارش پرداخت. «از خواص سبک صائب مضمون‌سازی و باریک‌اندیشی و نازک‌کاری است که آن هم در واقع از مشخصات سبک هندی است؛ دیگر به‌کاربردن صنایع و محسنات شعری نظیر ارسال المثل و استعمال مجاز و مراعات نظیر و آوردن امثال سایر در ضمن شعر است» (رضا زاده شفق، ۱۳۶۹: ۴۸).

از این رو در نگاه صائب ضمن همراهی لفظ و معنا با یکدیگر، اصالت با لفظ است که باید در نهایت آراستگی به خواننده نشان داده‌شود.

فاضل‌نظری هم با توجه به اینکه سبک هندی را برای سرودن غزلیات خود برگزیده‌است،

مضمون‌آفرینی را چه در قالب استفاده از هنر‌سازهای پرکاربرد سبک هندی و چه به صورت مجزا برمی‌گزیند. در واقع «بیشترین دغدغه فاضل در شعر کشف نکته‌های شاعرانه و کشف مضامین تازه است. او همچون شاعران سبک هندی کوشیده است از یک تصویر مشخص، مضمون‌های متعدد بیافریند.» (فلاح و زارعی، ۱۳۹۴: ۱۵۱) اکنون در بین هنر‌سازهای بی شماری که در سبک هندی به کاربرده شده‌اند، به بررسی آن دسته پرداخته خواهد شد که بین اشعار فاضل‌نظری و صائب‌تبریزی دارای اشتراک کمی و یا کیفی هستند.

با مطالعه مجموعه اشعار فاضل‌نظری و برگزیده اشعار صائب‌تبریزی چنین نتیجه به دست آمد که آرایه اسلوب‌معادله، تلمیح، ایهام‌تناسب، تشخیص، جناس، حسن‌آمیزی، کنایه، تکرار، تشبیه، استعاره در اشعار آنها بیشترین اشتراک را دارد که آنها را در شمار شاعران چیره‌دست سبک هندی قرار می‌دهد. در بین آرایه‌های مذکور، شاخص‌ترین آرایه‌های سبک هندی که بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌است، توضیح و تبیین می‌شود.

### ۱-۲-۲ اسلوب‌معادله

«اسلوب‌معادله و حسن تعلیل را در بسیاری از کتاب‌های بلاغی و بیانی، زیر عنوان کلی «تمثیل» مطرح کرده‌اند که امروزه، بعضی‌ها میان آنها تفاوت قائل می‌شوند. شاید بتوان گفت هر اسلوب‌معادله یا حسن تعلیلی، ممکن است به تمثیل و مثل شدن برسد؛ اما هر تمثیلی، لزوماً از اسلوب‌معادله یا حسن تعلیل برخوردار نیست؛ به بیانی دیگر، تفاوت ویژه مثل و اسلوب‌معادله در بود یا نبود ارتباط استدلالی بین دو مصراع است.» (قاسمیان و مجرد، ۱۳۹۷: ۶۹ - ۱۶۸) در نهایت چه در مثل و چه در اسلوب‌معادله هدف نهایی اثبات موضوعی غیرمحسوس در مصراع اول به صورت محسوس در مصراع دوم است. ابیات تمثیلی صائب به علت اینکه قدمت بیشتری دارد و به «شاعر تک‌بیت‌ها» معروف است، بسامد بیشتری را در این میان نسبت به نظری به خود اختصاص می‌دهد؛ اما نظری نیز به عنوان شاعر معاصر و هندی‌گو اشعارش خالی از تمثیل نیست. شعرای سبک هندی به دلیل ویژگی پیچیده بودن اشعارشان و ایجاد مضامین جدید، به

دنبال استفاده از شگرد اسلوب‌معادله هستند. آنها در واقع برای آرایش لفظ از این هنر‌سازۀ ادبی استفاده می‌کنند و درک معنای آن و ایجاد ارتباط عمودی و افقی بین ابیات را به عهده خود مخاطب می‌گذارند. همچنین «از نظر روانشناسی ثابت شده است که آن مطلبی بیشتر و بهتر در ذهن می‌ماند که آمیزه‌ای از حس شنوایی و بینایی باشد. از رهگذر اسلوب‌معادله بیت‌های سبک هندی حالت دیداری - شنیداری پیدا می‌کند و همین در تأثیر آنها در ذهن خوانندگان و شنوندگان مؤثر می‌افتد.» (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۶۷) در ساختار اسلوب‌معادله عمدتاً نوعی پند و اندرز وجود دارد که این پند و اندرزها بر اثر شرایط اجتماعی زمانه و گذران عمر به تجربیات شاعر اضافه شده است و اکنون گویا بازتاب فرهنگی است که عموم مردم آن را پذیرفته‌اند و با آن همراهی و همزادپنداری می‌کنند.

کثرت استفاده از این هنر‌سازه در مجموعه اشعار فاضل‌نظری در رقابت با اشعار صائب قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که به طور میانگین در هر ۱۱ بیت از صائب یک اسلوب‌معادله قطعاً به چشم می‌خورد و در اشعار فاضل‌نظری به طور میانگین در هر ۱۵ بیت یک اسلوب‌معادله وجود دارد. «همین وجه تمثیلی و انطباق‌پذیری، یکی از عواملی است که شعرهای فاضل را در جامعه رونق داده است؛ به عبارتی دیگر، بسیاری از حرف‌ها و پیام‌های شاعر، از یک سو، نمونه‌های بیرونی در جامعه و ذهن و ضمیر مخاطب دارند و شیوۀ معادله‌سازی (= اسلوب‌معادله) شاعر نیز سبب می‌شود که با اقبال مخاطب روبه‌رو شوند و مورد پذیرش قرار گیرند.» (قاسمیان و مجرد، ۱۳۹۷: ۷۰ - ۱۶۹)

بی‌گمان یکی از راه‌های ایجاد التذاذ ادبی در شعر سبک هندی استفاده از اسلوب‌معادله بوده است که از دیدگاه مخاطب این سبک می‌توان بررسی نمود. اینکه ذهن خواننده به دنبال کشف استدلال موجود در یک بیت و دریافت شبکه‌های تداعی می‌رود، خود گویای لحن و بیان استعاری سراینده است. درگیری ذهنی ایجاد شده و لذت حاصل از گره‌گشایی هنر‌سازه، خود سبب گیرایی شعر اثر ادبی است. همچنین با توجه به بررسی‌های انجام شده اغلب معادله‌های به کار رفته در اشعار صائب و فاضل‌نظری در جایگاه اقناع و اثبات هستند و بنابراین

از لحاظ ساخت دستوری سادگی و روانی دارند.

جدول ۱: فراوانی هنر‌سازه اسلوب‌معادله در چهار دفتر شعری فاضل‌نظری

هنر‌سازه	دفترهای شعری	تعداد غزل	تعداد ابیات	فراوانی	کاربرد به عنوان تمثیل
اسلوب‌معادله	گریه‌های امپراطور	۳۸	۲۵۸	۱۶ بیت	۲ بیت
	اقلیت	۳۷	۲۱۰	۱۱ بیت	۲ بیت
	ضد	۵۱	۲۹۱	۱۸ بیت	۳ بیت
	آنها	۵۱	۲۵۲	۱۴ بیت	۱ بیت
مجموع فراوانی هنر‌سازه اسلوب‌معادله در چهار دفتر				۵۹ بیت	

جدول ۲: فراوانی هنر‌سازه اسلوب‌معادله در برگزیده اشعار صائب‌تبریزی

هنر‌سازه	جامعه آماری	تعداد برگزیده‌ها	فراوانی	کاربرد به عنوان تمثیل
اسلوب‌معادله	غزلیات	۵۰ غزل (۴۲۵ بیت)	۴۲ بیت	۱۹ بیت
	ابیات برگزیده	۵۳۵ بیت	۶۰ بیت	۲۸ بیت
مجموع فراوانی هنر‌سازه اسلوب‌معادله در برگزیده اشعار				۱۰۲ بیت

آنچه در این دو جدول نشان می‌دهد گویای آن است که هنر‌سازه اسلوب‌معادله به عنوان ویژگی بارز سبک هندی در اشعار نظری و صائب است و به عنوان یک زیرساخت بلاغی بهترین وسیله جهت ایجاد مضامین بدیع شاعرانه و تصاویر بکر و محسوسی است که برای همگان قابل فهم است و ابیاتی نیز از این رهگذر به عنوان تمثیل استفاده می‌شوند. اکنون نمونه‌هایی را می‌آوریم:

من محال است به دیدار تو قانع باشم کی پلنگی شده راضی به تماشا از ماه؟

(نظری، ۱۳۹۸: ۴۱)

لب‌های می‌آلود بلای دل و جان است زان تیغ حذر کن که به خون‌تر شده باشد

(صائب‌تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۱ - ۱۳۰)

با توجه به بررسی‌ها کوتاهی، روانی و محسوس بودن در اسلوب معادله‌های نظری نسبت به صائب بیشتر جلب توجه می‌کند و این از نوآوری‌های او در سبک هندی است که او را از مقلد صرف بودن دور می‌کند.

## ۲-۲-۲ استعاره

«استعاره در سبک هندی اهمیت بسیار دارد و غالب کسانی که از سبک هندی سخن گفته‌اند، ویژگی ممتاز آن را استعاره‌ها و کلاً خیالات باریک و پیچیده آن دانسته‌اند.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۸۹) از آنجا که شاعران سبک هندی به دنبال آن هستند تا پیچیده‌ترین مضامین را در قالب کوتاه‌ترین الفاظ بیان کنند تا خواننده را به تأمل وادارند، هنر‌سازۀ استعاره را به فراوانی در اشعار خود استفاده می‌کنند. «فضیلت استعاره در این است که در هر لحظه می‌تواند بیان را صورت تازه‌ای بخشد و از یک واژه در نتیجه چندین فایده حاصل شود، چندان که در موارد مختلف تکرار شود و با این همه در هر موردی مقام خاص خود را داشته‌باشد و خصوصیت دیگر آن این است که معنای بسیار را در لفظ اندک نشان می‌دهد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)

معنی بسیار را از لفظ کم جان می‌دهم بحر را در کاسه گرداب جولان می‌دهم

(صائب‌تبریزی، ۱۳۹۵: ۸)

از این رو این هنر‌سازۀ در اشعار دو شاعر از پربسامدترین آرایه‌هاست و انواع مختلف آن همچون؛ استعاره فعلی، استعاره مصرحه، استعاره مکنیه - به‌ویژه از نوع تشخیص که از بارزترین ویژگی‌های سبک هندی است - دست‌مایه تصویرآفرینی آنها شده‌است. در واقع با

کمک این هنر‌سازه اشعار این دو شاعر به صورت تابلوهای نقاشی درآمده که درک و تفسیر آنها به مدد ذهن خلاق خواننده صورت می‌گیرد. همچنین لازم به ذکر است که پیچیدگی‌های استعاری در اشعار صائب به دلیل پیش‌قراول بودن در این سبک و تمایل وی به ایجاد گره و ابهام در سخن بیشتر از اشعار فاضل‌نظری است. نظری در عین استفاده از بارزترین مؤلفه‌های سبک هندی، خود را موظف به روان‌گویی می‌داند و راز همراه شدن مخاطب با او همین است. تصویرسازی‌های نظری در قالب انواع استعاره با واژگانی همچون شعله، دریا، عشق، آینه، باغچه، پروانه، ماهی، سیب، حباب، قطار، ساحل و..... است. در اشعار صائب تصویرسازی‌ها به کمک انواع استعاره در واژگانی همچون صدف، مرجان، غروب، سراب، ماه، پیاله، گرج، طاووس، آهو، شمع، سیل، وطن، مادر بی‌مهر و... به چشم می‌خورد. در این موارد کاملاً مشهود است که هر دو شاعر از لحاظ حوزه ذهنی شباهت زیادی به یکدیگر دارند و تصویرسازی‌های آنها به یکدیگر نزدیک است. آنچه نظری را در سبک هندی با صائب جدا می‌کند به کاربرد اغلب هنر‌سازه‌ها در حیطه عاشق‌پیشگی، محبت و بیان دردهای فراق است و این درحالی است که صائب آرایش لفظ خود را در بیان بی‌وفایی‌های روزگار و بیان ناامیدی‌ها به‌کار برده‌است. نظری و صائب در واقع از مستعارزمنه‌های مشترک فراوانی استفاده کرده‌اند و مستعارزمنه‌های آنها - که از طرز تفکرهای شاعرانه آنها و جولان فکری هر کدام در حیطه‌های مختلف متناسب با روزگار اجتماعی شاعر و پسند مخاطبان هر عصر حکایت دارد - متفاوت است. آنچه اهمیت دارد «تزاوج تصویرها است که همه استعاره‌ها را به وجود می‌آورد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۱۳: ۱۳۹۶)

بی‌شک استفاده از هنر‌سازه تشخیص نیز که در ذیل استعاره مکثیه قرار می‌گیرد با توجه به هندی‌سرایی دو شاعر بیشتر به چشم می‌خورد. خانلری این هنر‌سازه را که در اصطلاح غربی‌ها مردم‌نمایی<sup>۱</sup> می‌گویند، این‌گونه تعریف کرده‌است: «نوعی استعاره یا مجاز است که به وسیله آن، اشیاء و معانی انتزاعی را انسان فرض کنند و اعمال و حرکات بشری را بدان نسبت دهند.» (خانلری، ۱۳۷۱: ۳۰۶)

1 Personification

معنوی جان می‌بخشد و پا به پای قوهٔ خیال خود آنها را به حرکت در می‌آورد. همین ویژگی سبب زنده و پویا شدن اشعار سبک هندی می‌شود که خواننده را به عنوان موجودی دارای عقل و اختیار، پا در رکاب هنرآفرینی شاعر می‌تازد. صائب به عنوان سرآمد سبک هندی در قرن یازدهم و نظری که پیرو سبک هندی در قرن حاضر است با کاربرد هنر‌سازهٔ تشخیص دیدگاهی اسطوره محور دارند، چنانکه کزازی می‌گوید: «آدم گونگی در قلمرو ادب گاه به یکباره از جهان بینی اسطوره‌ای به یادگار مانده است.» (کزازی، ۱۳۷۲: ۳۷) بنابراین خواننده با شاعر سبک هندی همراه می‌شود و با تصویرسازی‌های حاصل از استعاره و به ویژه تشخیص، حس پویایی و نشاط به وی دست می‌دهد و از رهگذر اشتراکات فکری، شباهت‌ها را باز می‌یابد.

جدول ۳: فراوانی هنر‌سازهٔ استعاره در چهار دفتر شعری فاضل‌نظری

هنر‌سازه	دفترهای شعری	استعارهٔ مصرحه	استعارهٔ مکنیه (تشخیص و غیرتشخیص)	استعارهٔ فعلی
استعاره	گریه‌های امپراطور	۱۰ مورد	۱۷ مورد تشخیص ۱۰ مورد غیر تشخیص	۷ مورد
	اقلیت	۱۲ مورد	۱۹ مورد تشخیص ۱۳ مورد غیر تشخیص	۹ مورد
	ضد	۱۰ مورد	۱۴ مورد تشخیص ۱۱ مورد غیر تشخیص	۱۰ مورد
	آنها	۱۶ مورد	۱۵ مورد تشخیص ۹ مورد غیر تشخیص	۱۱ مورد
مجموع فراوانی انواع هنر‌سازهٔ استعاره در چهار دفتر		۴۸ مورد	۶۵ مورد تشخیص ۴۳ مورد غیرتشخیص	۳۷ مورد

جدول ۴: فراوانی هنر‌سازهٔ استعاره در برگزیدهٔ اشعار صائب‌تبریزی

هنر‌سازه	جامعه آماری	استعاره مصرحه	استعاره مکنیه (تشخیص و غیر تشخیص)	استعاره فعلی
استعاره	۵۰ غزل	۳۲ مورد	۴۷ مورد تشخیص ۲۱ مورد غیر تشخیص	۱۴ مورد
	۵۳۵ بیت برگزیده	۳۸ مورد	۳۶ مورد تشخیص ۲۵ مورد غیر تشخیص	۱۶ مورد
مجموع فراوانی انواع هنر‌سازه استعاره در برگزیده اشعار	۷۰ مورد	۸۳ مورد تشخیص ۴۶ مورد غیر تشخیص	۳۰ مورد	

واضح است که کاربرد استعاره مکنیه که به نوعی استعاره‌های فعلی هم در زیر مجموعه آن قرار می‌گیرند، نسبت به استعاره مصرحه در اشعار سبک هندی بسامد بیشتری دارد. عمده‌ترین دلیل آن فراهم آوردن یک زمینه برای تلاش ذهنی مخاطب است تا با کمک قرائن موجود در بیت بتواند تشبیه نهفته را که به کمک آن استعاره مکنیه ساخته شده‌است، پیدا کند و از آن گره‌گشایی نماید. این همان است که به پیچیدگی مضمون در سبک هندی تعبیر می‌شود. آنچه در این مبحث اهمیت دارد، این است که فاضل همچون صائب برای مضمون سازی‌های استعاری خود از ساده‌ترین اشیاء و اتفاقات پیرامونی استفاده می‌کند و با کمک هنر‌سازه‌های مختلف و به ویژه استعاره و اسلوب معادله روابط را کشف کرده و در برابر دیدگان مخاطب می‌گذارد.

به عنوان نمونه به ذکر برخی از این ابیات می‌پردازیم:

موج شوریده‌دل آشفته ماه است ولی ماه را طاق آشفته دری نیست

(نظری، ۱۳۹۲: ۱۷)

در این بیت نظری جزر و مد دریا را که یک پدیده عینی، پیرامونی و همچنین مورد قبول نزد عامه است با کمک آرایه تشخیص به زیبایی تصویرسازی کرده‌است. و همزمان چهار تشخیص به کار برده‌است:



۱- موج شوریده دل

۲- موج آشفته ماه است.

۳- ماه طاقت ندارد.

۴- دریا آشفته و سرگردان است.

صبح وطن به شیر مگر آورد برون زهری که ما ز تلخی غربت کشیده‌ایم

(صائب‌تبریزی، ۱۳۹۵: ۳۸/۲۸۱)

در این بیت صائب با اشاره به اینکه در قدیم زهر را با خوراندن شیر از بدن بیرون می‌کردند، تشخیص را به واژه وطن داده است که می‌تواند زهر و تلخی غربت را از آدمی دور نماید که این از نمونه‌های بارز توجه به مفاهیم عامه است.

کبریای توبه را بشکن! پشیمانی بس است از جواهرخانه خالی نگهبانی بس است

(نظری، ۱۳۹۵: ۸۵)

در این بیت فعل «بشکن» استعاره فعلی را به وجود آورده است که توبه را مانند شیشه‌ای در نظر گرفته که می‌تواند بشکند. در این زمینه شاهد مثال‌های مشترک بسیار است که متأسفانه در حوصله این پژوهش نمی‌گنجد.

### ۳-۲-۲ ایهام

شعرای سبک هندی و به ویژه صائب در میان آرایه‌های معنوی به ایهام و علی‌الخصوص ایهام‌تناسب و ایهام‌فعلی بسیار علاقه نشان داده‌اند. همچنین ایهام‌های ترکیبی<sup>(۲)</sup> هم به وفور در اشعار شاعران این دوره دیده شده‌است. هنر سازه‌ای ایهام این گونه تعریف شده که «لفظ دارای دو معنی حقیقی یا مجازی باشد؛ یکی قریب، یعنی نزدیک به ذهن که ظاهر لفظ بر آن دلالت کند و دیگر غریب، یعنی دور از ذهن که ظاهر لفظ بر آن دلالت نکند و فهم آن محتاج به لطف طبع و ذوق دقیق باشد و ذهن شنونده ابتدا به طرف معنی نزدیک (قریب) رود، اما مقصود گوینده، معنی دور (غریب) باشد.» (همایی، ۱۳۷۳: ۴۶) بی‌شک این گونه ایهام و کژتابی‌ها شعر شاعران

سبک هندی را در دیربایی و پیچیدگی یاری می‌دهد. فاضل‌نظری نیز به عنوان شاعر معاصر که در سبک هندی می‌سراید، در به کار بردن ایهام دستی توانا دارد (به ویژه در دفتر شعری ضد) و با به کار بردن واژگانی همچون «شام‌بلا»، «قلب»، «گیرم»، «افتادم»، «بوی»، «سرگردان»، «رمل»، «خون‌می‌خورم»، «شکستم» و... خود را موظف به استفاده از این آرایه کرده که می‌تواند با ایجاد این دسته از ابهامات و دوگانگی‌ها گوشه چشمی هم به شرایط اجتماعی روزگارش داشته باشد. قطعاً بسامد این آرایه در اشعار صائب بسیار بیشتر از اشعار نظری است و این به همان علت است که نظری به صراحت گویی علاقه بیشتری دارد. صائب‌تبریزی نیز با به کار بردن واژگانی همچون؛ «نورسیدگان»، «صائب»، «برگ»، «بار»، «کف»، «قلب»، «تن ندادیم»، «نَسایم دست برهم»، «سرگذشت» و... انواع ایهام را در شعر خود جای داده‌است. بی‌گمان استفاده از ایهام به طور غیرمستقیم هشدار است به دورویی‌ها که شاعران به عنوان افرادی باریک‌بین و دقیق آن را در قالب هنر‌سازهای مختلف و به ویژه ایهام بیان می‌دارند.

ایهام از جمله هنر‌سازه‌هایی است که در سبک هندی در رقابت با سایر هنر‌سازها است و از لحاظ بسامدی با استعاره از لحاظ کمی به یکدیگر نزدیک هستند. «در سبک هندی، ایهام حتی بیش از استعاره مورد نظر ناقدان بوده‌است تا حدی که مثلاً آنجا که استعاره و ایهام بهم گره خورده‌اند، توجه آنها بیشتر به ایهام است.» (شفیعی‌کدکنی، ۷۰: ۱۳۸۵) بررسی‌ها نشان می‌دهد که صائب نگاه ویژه‌تری نسبت به نظری به این هنر‌ساز داشته‌است که در واقع دیربای‌تر بودن اشعارش در بین شعرای سبک هندی و به طور خاص نسبت به نظری از همین علت نیز می‌تواند متأثر باشد.

جدول ۵: فراوانی هنر سازه‌ایهام در چهار دفتر شعری فاضل نظری

هنر سازه	دفترهای شعری	ایهام	ایهام تناسب	ایهام فعلی
ایهام	گریه‌های امپراطور	۱۰ مورد	۷ مورد	۴ فعل
	اقلیت	۹ مورد	۷ مورد	۶ فعل
	ضد	۱۶ مورد	۵ مورد	۵ فعل
	آنها	۹ مورد	۵ مورد	۵ فعل
مجموع فراوانی انواع هنر سازه‌ایهام در چهار دفتر				
		۳۹ مورد	۲۴ مورد	۲۰ فعل

جدول ۶: فراوانی هنر سازه‌ایهام در برگزیده اشعار صائب تبریزی

هنر سازه	جامعه آماری	فراوانی ایهام	فراوانی ایهام تناسب	فراوانی ایهام فعلی
ایهام	۵۰ غزل	۳۰ مورد	۱۲ مورد	۹ فعل
	۵۳۵ بیت برگزیده	۳۷ مورد	۱۳ مورد	۱۱ فعل
مجموع فراوانی انواع هنر سازه‌ایهام در برگزیده اشعار				
		۶۷ مورد	۲۵ مورد	۲۰ فعل

به عنوان نمونه به برخی از این ابیات اشاره می‌کنیم:

من از سرمایه عالم همین یک «قلب» را دارم اگر چیزی دگر مانده است، آن را هم هدر گردان (نظری، ۱۳: ۱۳۹۳) در اینجا واژه «قلب» با دو معنای:

۱- قلب و دل

۲- سکه تقلبی (در تناسب با سرمایه و هدر دادن) هنر سازه‌ایهام تناسب را به وجود آورده است.

هزار جان مقدس فدای تیغ تو باد که در گشایش دلها عجب دمی دارد

(صائب تبریزی، ۱۳۹۵: ۲۹/۸۷)

در این بیت صائب دو ایهام بسیار ظریف به کار برده است:

الف) گشایش دلها:

۱- عقده باز کردن

۲- گشایش دلها از همدیگر.

ب) دم:

۱- نفس تیغ

۲- تیغ برنده.

این کاربردهای تو در تو همان پیچیدگی‌هایی است که از آن سخن می‌گوییم.

#### ۴-۲-۲ تشبیه

در سبک هندی به مقتضای ویژگی تصویرسازی و مضمون‌آفرینی آن از شگردهای ادبی و هنر‌سازه‌های مختلفی استفاده می‌شود که از مهم‌ترین و بارزترین آنها هنر‌سازۀ تشبیه است. در اشعار این دوره به ویژه صائب تشبیهات به قدری متعدد و مختلف است که گاهی دو یا چند تشبیه را در یک بیت می‌توان یافت.

عشاق را به تیغ زبان گرم می‌کنیم چون شمع، تازیانه پروانه‌ایم ما

(صائب‌تبریزی، ۱۳۹۵: ۲۷/۳۴)

تشبیهات بیت بالا به این ترتیب هستند:

۱- اضافه تشبیهی: تیغ زبان (زبان مثل تیغ برنده است)

۲- تشبیه مرکب: تمام مصراع دوم در حکم مشبّه به برای مصراع اول است؛ برای گرم کردن عاشقان با زبان مثل شلاق خوردن پروانه‌ها با شعله شمع است.

۳- تشبیه بلیغ اسنادی: تازیانه پروانه‌ایم ما. که در مجموع در یک بیت سه نوع متفاوت از هنر‌سازۀ تشبیه یافت می‌شود. صائب در اشعار خود از انواع تشبیه از جمله تشبیه مضمّر، تشبیه تمثیلی<sup>(۳)</sup>، تشبیه بلیغ، اضافه تشبیهی، تشبیه مرکب و... به وفور استفاده کرده است و هر

کدام در جایگاه خود، تصویرسازی‌های بدیع و بی‌سابقه‌ای را ساخته‌اند. هرچند که تشبیه برای ایجاد پیچیدگی در سبک هندی، هنر سازه دیرپایی نیست، اما واضح است: «آنچه که فهم معنای شعر سبک هندی را دشوار می‌کند، در واقع شیوه به‌کارگیری شاعران این دوره از صور خیال است. با نگاهی گذرا به تشبیهات این دوره - و به طور کلی صورخیال این سبک - چیزی که مشهور است، این است که شاعر به دنبال خلق افق‌های تازه معنایی و تصویرسازی‌های نو و بدیع است اما گویی در خلق تصاویر، تنها به دنبال اقتناع ذهن وهم آلود خود و حیرت و شگفتی‌آفرینی در خواننده است که کشف پیوندهای تشبیه را بسیار دشوار می‌سازد. شبکه تداعی معانی که در هزارتوهای ذهن شاعر شکل می‌گیرد گاه آنقدر دور از ذهن و وهم آلود است که به فضایی مه زده شبیه است و ارتباط میان عناصر خیال در آن وضوحی ندارد. بنابراین لذت خواننده در بسیاری مواقع نه از کشف معانی شعر که از تماشای حیرت آلود جزء جزء تصاویر حاصل می‌شود. این خیال‌های دور از ذهن و فضای وهمناک و حیرت زده به خاطر اشتراکات فراوانی است که میان سبک هندی و مبانی مکتب سوررئالیسم<sup>(۴)</sup> وجود دارد.» (مستعلی پارسا، ۱۳۸۹: ۴۷)

فاضل‌نظری از رهگذر استفاده از هنر سازه تشبیه تصاویر بکر و شاعرانه بی‌نظیری را در اشعارش به وجود آورده است که هر کدام از روانی طبع و سوز و عشق درونی شاعر حکایت دارند. نظری با تشبیهاتی که به کمک پدیده‌های اطراف خود ساخته است، به شعر خود روح و جان تازه بخشیده و هر یک از ارکان مشبه و مشبه به در این تشبیهات خود زبان گویای شاعر می‌شوند و راز دل او را برملا می‌سازند. «تشبیه و استعاره از پربسامدترین آرایه‌های بلاغی است که فاضل تصاویر شاعری خود را در قالب آنها ساخته و به مخاطبان خویش ارائه داده است. درحقیقت این ابزارهای بیانی همچون ظرفی است که تصویرهای تخیلی و خلاقانه شاعر در آن ریخته شده است.» (همتیان و غفوری، ۱۳۹۸: ۵۵) نظری از انواع تشبیهات به وفور استفاده کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت به صورت میانگین در هر غزل او می‌توان شاهد حداقل سه الی چهار بیت تشبیه‌دار بود. تشبیهات نظری از جهت تصویرسازی به سبک هندی

گرایش دارد و از لحاظ روانی، گیرایی و روشن بودن همان است که اساس وی در عین استفاده از کاربرد سبک هندی است. در واقع محبوبیت نظری در بین همگان مرهون همین تشبیهات و زبان ساده او است. این هنرنامه در اشعار سبک هندی اساس و پایه سایر هنرنامه‌هاست و نظری با نگاه ویژه‌ای که به صائب‌تبریزی داشته‌است، تشبیه را ظرف کلام مخیل خود قرار داده است و مضامین وی در این هنرنامه بیشتر جنبه عاشقانه و فردگرا دارد، برعکس صائب که اغلب جهت بیان یأس و ناسازگاری‌های روزگار از این هنرنامه استفاده کرده‌است.

جدول ۷: فراوانی هنرنامه تشبیه در چهار دفتر شعری فاضل‌نظری

هنرنامه	دفتر شعری	تشبیه مرکب	تشبیه بلیغ (اضافی و اسنادی)	تشبیه مجمل	تشبیه مفصل
تشبیه	گریه‌های امپراطور	۱۱ مورد	۱۲ مورد اضافی ۹ مورد اسنادی	۱۰ مورد	۱۰ مورد
	اقلیت	۱۰ مورد	۲۰ مورد اضافی ۹ مورد اسنادی	۸ مورد	۹ مورد
	ضد	۱۰ مورد	۱۷ مورد اضافی ۷ مورد اسنادی	۸ مورد	۱۰ مورد
	آنها	۱۲ مورد	۱۳ مورد اضافی ۸ مورد اسنادی	۹ مورد	۷ مورد
مجموع فراوانی انواع هنرنامه تشبیه در چهار دفتر	۴۳ مورد	۶۲ مورد اضافی ۳۳ مورد اسنادی	۳۵ مورد	۳۶ مورد	

جدول ۸: فراوانی هنر سازه تشبیه در برگزیده اشعار صائب تبریزی

تشیبه مفصل	تشیبه مجمل	تشیبه بلیغ (اضافی و اسنادی)	تشیبه مرکب	جامعه آماری	هنر سازه
۴۸ مورد	۱۳ مورد	۴۵ مورد اضافی ۲۵ مورد اسنادی	۳۱ مورد	۵۰ غزل	تشیبه
۴۱ مورد	۱۸ مورد	۶۳ مورد اضافی ۲۳ مورد اسنادی	۴۰ مورد	۵۳۵ بیت برگزیده	
۸۹ مورد	۳۱ مورد	۱۰۸ مورد اضافی ۴۸ مورد اسنادی	۷۱ مورد	مجموع فراوانی انواع هنر سازه تشبیه در برگزیده اشعار	

برای نمونه به ذکر برخی از این ابیات می‌پردازیم:

موجم و جرأت پیش آمدنم نیست مگر به دل سنگ تو از من نرسد آزاری

(نظری، ۹۷: ۱۳۸۸)

«موجم» تشبیه بلیغ اسنادی و «دل سنگ» تشبیه بلیغ اضافی است که دل به سنگ تشبیه

شده است.

جهان زیباست اما مثل مردابی که با مهتاب جهان رنگ تماشا از تماشای تومی‌گیرد

(همان: ۲۷)

در این بیت تشبیه مرکب وجود دارد که زیبایی جهان به خاطر وجود معشوق در اوست

همان طور که زیبایی مرداب به خاطر انعکاس مهتاب در آن است.

آن چنان کز رفتن گل خار می‌ماند به جا از جوانی حسرت بسیار می‌ماند به جا

(صائب تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۲/۲۶)

در این بیت تشبیه مرکب وجود دارد که حسرت‌های دوران جوانی به خارهای گل مانند

شده است.

تا به کی گرد خجالت زنده در خاکم کند؟ شسته‌رو چون گوهر از باران رحمت کن مرا

(همان: ۲/۲۶)

در این بیت دو تشبیه بلیغ اضافی «گرد خجالت» و «باران رحمت» و یک تشبیه مفصل «مرا شسته رو چون گوهر کن» وجود دارد.

### ۵-۲-۲ حس آمیزی

هنر‌سازۀ حس‌آمیزی که در سبک هندی بسامد نسبتاً بالایی را در اشعار به خود اختصاص می‌دهد در بررسی‌های انجام‌شده بین صائب و فاضل‌نظری نیز از جمله آرایه‌های پرکاربرد و محسوس بود. برای خلق مضامین تازه و تصویرهای بدیع به خصوص در سبک هندی این آرایه بسیار خودنمایی کرده‌است. «حس‌آمیزی عبارت است از القای معنی با ترکیبات و تعبیری که حاصل آن از آمیخته‌شدن دو حس به یکدیگر یا جاننشینی آن خبرمی‌دهد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۱) در اشعار این دو شاعر حس‌آمیزی تصویرهای انتزاعی را ملموس و عینی می‌کند و در این مسیر از درآمیختن انواع حس‌های بویایی، چشایی، بساوایی، شنوایی و بینایی استفاده کرده‌است. استفاده از این هنر‌سازۀ خود بر میزان انتقال حس موجود در این ترکیب‌ها می‌افزاید و تصویرهای حاصل از این هنر‌سازۀها با مخاطب ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. «در آثار منظوم و مثنوی دوره‌های سبکی خراسانی و عراقی، به صورت پراکنده، و در دوره سبکی هندی (اصفهانی)، در حد یک ویژگی پربسامد، شواهد و نمونه‌های زیادی از این صنعت را می‌توان مشاهده نمود.» (الهامی، ۱۳۸۷: ۳۲) تصویرسازی‌ها به کمک این هنر‌سازۀ می‌تواند قابل حس‌کردن باشد و معانی غریب و بیگانه سبک هندی را اندکی واقعیت بخشد، از این رو می‌توان گفت شاعر ما برای تعدیل بخشیدن به گره‌ها و ابهام‌های زبانی خود از این هنر‌سازۀ استفاده می‌کند و خواننده را در احساس خود همراه می‌سازد. اغلب گسترش زبان شعری در سبک هندی به کمک حس‌آمیزی با درآمیختن امور انتزاعی و معنوی با حس‌های ظاهری است.

صائب‌تبریزی با به کار بردن ترکیباتی همچون «نالۀ گرم»، «رنگ نازک»، «بلبل رنگین نوا»، «رنگ لطیف عشق»، «زندگی تلخ»، «بوی یوسف از چشم کشیدن»، «گریۀ تلخ»، «آه سرد»، «رنگ



دعوی‌های باطل» و... استفاده از این هنر سازه را در سبک هندی به اوج خود رسانده است. فاضل نظری نیز حس آمیزی را در شعر معاصر که در پیروی از سبک هندی سروده است، گنجانیده و بسامد زیادی در اشعارش دارد، هر چند به اندازه صائب مشهود نیست و از پیچیدگی‌هایی که می‌تواند از این هنر سازه ایجاد شود به طور کامل دور مانده است. نظری با به کار بردن ترکیباتی همچون «زخم آتشین»، «تلخ و شیرین جهان»، «تلخی ریا»، «نم عشق»، «سرخ‌ی زندگی»، «دیدن صدای فریاد»، «سبزی سجده»، «دیدن عقل و عشق»، «یاد شیرین»، «پایان تلخ» و... انواع حس‌ها را به هم آمیخته و تصویرهایی دل‌نشین و محسوس را پدیدار کرده است. حس آمیزی، خود می‌تواند به دسته‌های مختلف از دیدگاه‌های گوناگون تقسیم می‌شود و هر کدام در جای خود بحث دارد اما از آنجا که در گنجایش این پژوهش نیست، آمار فراوانی این هنر سازه به صورت کلی بیان شده است و به مقایسه کمی و تحلیلی اکتفا شده است.

جدول ۹: فراوانی هنر سازه حس آمیزی در چهار دفتر شعری فاضل نظری

فراوانی	دفترهای شعری	هنر سازه
۱۵ مورد	گریه‌های امپراطور	حس آمیزی
۱۲ مورد	اقلیت	
۱۶ مورد	ضد	
۱۱ مورد	آنها	
۵۴ مورد	مجموع فراوانی هنر سازه حس آمیزی در چهار دفتر	

جدول ۱۰: فراوانی هنر سازه حس آمیزی در برگزیده اشعار صائب تبریزی

فراوانی	جامعه آماری	هنر سازه
۲۶ مورد	۵۰ غزل	حس آمیزی
۳۵ مورد	۵۳۵ بیت برگزیده	
۶۱ مورد	مجموع فراوانی انواع هنر سازه حس آمیزی در برگزیده اشعار	

اکنون به ذکر برخی از نمونه‌های این هنر‌سازه در اشعار این دو شاعر می‌پردازیم:  
از فراموشی چه سنگین‌تر به روی سینه؟!

کاش پاک می‌کردی غباری را که بر سنگ من است  
(نظری، ۱۳۹۸: ۷۷)

برای فراموشی که یک چیز انتزاعی است وزن در نظر گرفته است و آن را سنگین حس کرده‌است که این همان تصویرآفرینی حاصل از حس‌آمیزی است.  
در این بساط به جز شربت شهادت نیست

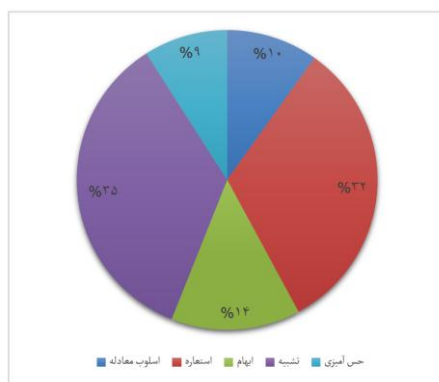
می‌ای که تلخی مرگ از گلو تواند شست  
(صائب‌تبریزی، ۱۳۹۵: ۵۱/۶۱۷)

در این بیت ترکیب «تلخی مرگ» حس‌آمیزی دارد که یک امر انتزاعی با حس چشایی در هم آمیخته شده‌است.

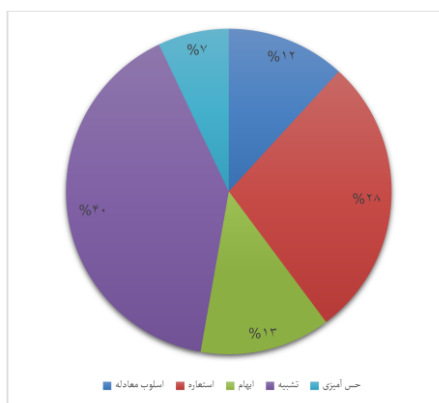
### ۳- نتیجه

استفاده از هنر‌سازه‌های بی‌شمار و متنوع در اشعار شاعران سبک هندی پایه و اساس مضمون‌آفرینی‌ها و تصویرسازی‌های آنهاست. بی‌گمان اشعار سبک هندی بدون این آرایه‌های گوناگون قدرت اقتناع مخاطب را از دست خواهند داد و چیزی جز پیچیدگی‌های خسته‌کننده برجای نخواهد ماند. صائب‌تبریزی به عنوان شاعر پیشرو در سبک هندی از هنر‌سازه‌های اصلی این سبک در اشعار خود به‌خوبی استفاده کرده‌است و تصویرسازی‌های او بی‌سابقه است. فاضل‌نظری نیز از شاعران معاصر است که نشانه‌های سبک هندی و پیروی از نحوه‌ی سرایش صائب در اشعارش به چشم می‌خورد، با این تفاوت که حیطه‌های شعری آنها متفاوت و روانی بیشتری بر سروده‌های نظری حاکم است. نظری هنر‌سازه‌های اصلی این سبک را به‌خوبی شناخته است و همانند بزرگان این سبک و به‌ویژه صائب معانی جدیدی را برای مخاطب‌های خود آفریده‌است که ماندگار و جذاب هستند.

در این پژوهش پنج هنر‌سازۀ اصلی در سبک هندی بررسی شده‌که بیشترین بسامد را در اشعار این دو شاعر به خود اختصاص داده‌اند. آمار فراوانی این هنر‌سازه‌ها نشان از نزدیکی زبان و حوزه‌های انتخابی این دو شاعر دارد. در طول این پژوهش فرضیه‌ی ما که نظری از صائب در کاربرد هنر‌سازه‌ها تأثیر پذیرفته است، تأیید شد و بارزترین هنر‌سازه‌های مشترک آنها؛ یعنی اسلوب‌معادله، استعاره، ایهام، تشبیه و حس آمیزی هندی‌وارگی در اشعار نظری را مجدداً به اثبات می‌رساند و تأثیر صائب در تصویرآفرینی‌های فاضل‌نظری را تأیید می‌کند.



نمودار ۱: بسامد درصدی فراوانی هنر‌سازه‌ها در چهار دفتر شعری فاضل‌نظری



نمودار ۲: بسامد درصدی فراوانی هنر‌سازه‌ها در برگزیده اشعار فاضل‌صائب‌تبریزی

## منابع و مآخذ

### الف) کتاب‌ها

- ۱- احمدی، بابک. ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز، چاپ نهم، ۱۳۸۰.
- ۲ - رضازاده شفق، صادق. تاریخ ادبیات ایران. تهران: نشر آهنگ، ۱۳۶۹.
- ۳ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. رستاخیز کلمات. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱.
- ۴ - \_\_\_\_\_ زبان شعر در نثر صوفیه. تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- ۵ - \_\_\_\_\_ زمینه اجتماعی شعر فارسی. تهران: نشر اختران کتاب، ۱۳۸۶.
- ۶ - \_\_\_\_\_ شاعر آینه‌ها. تهران: نشر آگه، ۱۳۸۵.
- ۷ - \_\_\_\_\_ صور خیال در شعر فارسی. تهران: نشر آگه، ۱۳۹۶.
- ۸ - \_\_\_\_\_ موسیقی شعر، تهران: نشر آگه، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- ۹ - قهرمان، محمد. برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای سبک هندی. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۵.
- ۱۰ - کزازی، میرجلال‌الدین. رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- ۱۱ - محمدی، محمدحسین. بیگانه مثل معنی (نقد و تحلیل شعر صائب و سبک هندی). تهران: نشر میترا، ۱۳۷۴.
- ۱۲ - ناتل خانلری، پرویز. «یادی از صائب» در: صائب و سبک هندی. به کوشش محمدرسول دری‌اگشت. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۱.
- ۱۳ - نظری، فاضل. آنها. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
- ۱۴ - \_\_\_\_\_ اقلیت. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۲.
- ۱۵ - \_\_\_\_\_ ضد. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳.
- ۱۶ - \_\_\_\_\_ گریه‌های امپراطور. تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ پنجاه و هشتم، ۱۳۹۸.
- ۱۷ - نیوا، ژرژ. نظر اجمالی به فرمالیسم روس، ترجمه رضا سیدحسینی، نقد نو (مجموعه مقالات) تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۱۸ - همایی، جلال‌الدین. معانی و بیان، ج ۲. تهران: نشر هما، ۱۳۷۳.

### ب) مقالات

- ۱ - ارجی، علی اصغر. «زیباشناسی، نقد ادبی و شفیعی‌کدکنی». هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۰۶-۸۷، ۱۳۹۴.
- ۲ - اکو، اومبرتو. «تحلیل ساختار ادبی»، ترجمه محمدرضا شفیعی‌کدکنی. مجله کلک، شماره ۹، صص ۳۳-۲۶، ۱۳۸۶.

- ۳ - الهامی، شراره. «بررسی حس‌آمیزی در غزلیات بیدل‌دهلوی». فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال ۴، شماره ۱۲، صص ۴۸-۳۱، ۱۳۸۷.
- ۴ - تاتاریکه ویچ، و. «فرم در تاریخ زیبایی‌شناسی». ترجمه کیوان دوستخواه، هنر، شماره ۵۲، صص ۶۱-۴۶، تابستان ۱۳۸۱.
- ۵ - حق جو، سیاوش. «سبک هندی و استعاره ایهامی کنایه». فصلنامه تخصصی نظم و نثر فارسی بهار ادب. سال ۴، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۶۸-۲۵۵، ۱۳۹۰.
- ۶ - حکیم آذر، محمد. «بحث در تشبیه‌تمثیل و کارکرد آن در غزل صائب‌تبریزی». مجله علمی - پژوهشی فنون ادبی، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، ۱۳۹۴، صص ۳۶-۱۱۷.
- ۷ - \_\_\_\_\_ «نگاهی به اسلوب معادله در شعر صائب با تکیه بر نقش خواننده». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. شماره ۳ (پیاپی ۲۴)، صص ۱۰۶-۸۷، ۱۳۹۴.
- ۸ - خاکپور، محمد. «نگرشی به مقوله لفظ و معنا در سبک هندی با تأکید بر اشعار صائب». نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز. سال ۷۲، شماره ۲۴۰، صص ۱۱۶-۹۱، ۱۳۹۸.
- ۹ - شفیعی کدکنی، محمد رضا. «مقدمه ای کوتاه بر مباحث طویل بلاغت»، مجله خرد و کوشش، صص ۷۸-۴۷، بهار و تابستان ۱۳۵۲.
- ۱۰ - طلوعی آذر، عبدالله؛ مظفری، علیرضا؛ حاتم زاده، امیر. «مکتب سوررئالیسم و تأثیر آن بر شعر شاعران سبک هندی». فصلنامه اورمزد. شماره ۴۵، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۴، ۱۳۹۷.
- ۱۱ - فلاح، غلامعلی؛ زارعی، مهرداد. «هندی‌وارگی در اشعار فاضل‌نظری». فصلنامه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی). سال ۲۳، شماره ۷۸، صص ۱۶۶-۱۴۵، ۱۳۹۴.
- ۱۲ - قاسمیان، خسرو؛ مجرد، سارا. «بررسی ساختارها و ظرفیت‌های معنا سازی در اشعار فاضل‌نظری». مجله شعرپژوهی بوستان ادب. سال دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۸)، صص ۱۸۰-۱۵۹، ۱۳۹۷.
- ۱۳ - گلی، احمد؛ اسدی، سمیه. «احیاء و انگیزش تلمیحات قرآنی در غزل امروز بر پایه نظریه انگیزش فرمالیسم». فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی. سال دوم، شماره سوم، صص ۵۲-۳۲، ۱۳۹۳.
- ۱۴ - مستعلی پارسا، غلامرضا. «کاربرد بلاغی آینه در دیوان صائب». فصلنامه بهار ادب. سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۸)، صص ۵۸-۴۸، ۱۳۸۹.
- ۱۵ - ولی پور، عبدالله؛ همتی، رقیه. «کارگه حشر معانی، معرفی کتاب رستاخیز کلمات». مجله آیین پژوهش. سال ۲۵، شماره ۵ و ۶ (پیاپی ۱۴۹ و ۱۵۰)، صص ۸۳-۷۶، ۱۳۹۳.
- ۱۶ - همتیان، محبوبه؛ غفوری، افسانه. «تحلیل بلاغی حوزه‌های تصویری شعر فاضل‌نظری». سال ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۲۹)، صص ۶۴-۵۱، ۱۳۹۸.

## A Comparative Analysis on the Common Literary Devices in the Poems of Fazel Nazari and Saeb Tabrizi

Maryam Soltani<sup>1</sup>  
Amir Hossein Madani Ph.D<sup>2</sup>

### Abstract

In Indian style comparative literature, the poems of Saeb Tabrizi and Fazel Nazari are comparable through various approaches. One of the common grounds in the poems of these two poets is the use of common literary devices. The term literary device comes from Russian Formalism. This school considers any literary work to be a combination of literary devices, which is consisted of figures of speech and sound techniques. Because the Indian style uses of many literary devices, this research studies those devices that are the most frequent in the poems of these two poets. Osloob Moadele, Metaphor, Iham, Simile, and Synesthesia are among the devices that are studied in the poems of Saeb Tabrizi and Fazel Nazari for the purpose of finding the frequency and the meaning. The results of this study show that Nazari has been influenced by Saeb in using figures of speech and considering that the thematic field of each poet is different the result of using these common literary devices is unique in their own time and style, even though there are many overlaps in using these literary devices. The method of this research is based on quantitative and qualitative analysis of common literary devices in the poems of these two poets and its goal is to analyze the frequency of these devices in the specified statistical population.

**Keywords:** literary devices, Fazel Nazari, Saeb Tabrizi, Indian Style, Formalism

---

1. MCS student, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.  
Email: maryamsoltani7698@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.  
(Author)  
Email: m.madani9@gmail.com